کتابِ شرق

اسفار کاتبان - ۱

روایت مترجم: فرزانه طاهری

کارگزاران کتاب

اگرچه کاهش تیراژ کتاب در جامعه ما مسئله‌ای است که نباز به بررسی دارد اما بازار تجمیع‌کننده تیراژ کتاب است و ناشران بازار را می‌سنجد و با معیارهای موجود بازار کتاب‌هایشان را جاب می‌کند. بازار کتاب، امروز کوچک‌تر از قبل شده است اما برای ناشری که اصولی کار می‌کند تیراژهای اندک اشکالی ندارد. چون از هزینه‌های اضافه مثل انبارداری و غیره کاسته می‌شود و نسخه‌های چاپ اول که به فروش رفت چاپ دیگر از کتاب منتشر می‌شود. کتاب چیزی مقدس یا مقاومت نیست و مثل هر کالای دیگری، میزان عرضه‌اش بر اساس تقاضای بازار تعیین می‌شود. امروز تقاضا در بازار کتاب کاهش یافته اما این واقعیت ماجراست و من ناراحت نمی‌شوم اگر حتی تیراژ کتابم سیصد نسخه باشد. کتاب کالایی خیلی از ناشران آثارشان را با تیراژهای کم منتشر می‌کنند و تمام کتاب‌ها تیراژ سیصد ندارند و اینکه می‌شنویم یک کتاب در اروپا یا آمریکا با تیراژی وسیع به چاپ رسیده مربوط به آثاری خاص است. در آنجا وقتی کتابی فروش نود، بعد از مدتی یا یک‌چند قیمتش جلوی کتابفروشی‌ها گذاشته می‌شود و به فروش می‌رود. امروز در برابر کاهش تیراژ کتاب، تعداد عناوین کتاب افزایش یافته و یکی از دلایل این اتفاق این است که آدم‌ها فکر می‌کنند انتشار کتاب راه ساده‌ای برای امرار معاش است و در نتیجه افراد زیادی به این دلیل وارد میدان نشر کتاب می‌شوند. تعداد عناوین کتاب را نمی‌توان کنترل کرد و نقد هم وجود ندارد تا تاثیری در میزان کتاب‌های منتشرشده بگذارد. بااین‌حال اما واقعیت این است که جامعه ما به این مطالعه داستانی نیاز ندارد اما به‌سادگی نمی‌توان جلوی کار آن‌ها را گرفت. اگرچه می‌توانم تعداد ناشران و تعداد عناوین منتشرشده کتاب را با نیازهای جامعه کاهش دهد نقد و نقادی است. البته هنوز هم می‌توان در میان ناشران موجود، کسانی را یافت که با تلاش‌های خودشان و اهل قلم اعتباری به دست آورده‌اند و باید سخت بکوشند تا این اعتبار را از دست ندهند. هنوز هم برخی اسم‌ها و برخی ناشران فروش‌شان تضمین شده است. در بلندمدت این جمع از عناوین کتاب نمی‌توانند ادامه داشته باشند و به‌اصطلاح کتاب‌های غیرمفید از بین می‌شوند و انتشارشان محدود می‌شود. از تعداد ناشران موجود نیز با گذر زمان کاسته می‌شود و عده‌ای از این بازار بیرون می‌روند اما امروز مسئله این است که اخلاق حرفه‌ای و اعتبار نشر برای بسیاری از ناشران کمتر از نفع مالی زیادی دارد. ناشری که از مترجم پول می‌گیرد تا کتابش را چاپ کند دیگر ناشر نیست بلکه کارگزار است. موضوع دیگر دغدغه کتاب‌دانستن در میان آدم‌هاست. امروز برای عده‌ای کتاب‌دانستن مثل مدرک تحصیلی شده و واقعا درک این موضوع دردآور است. مثلا در مورد ترجمه، عده‌ای این تصور را دارند که چون زبان بلدند کتابی ترجمه می‌کنیم و به اطرافیانمان می‌فروشیم. در واقع دانستن تنها می‌توانیم امیدوار باشیم که اخلاق اهمیت بیشتری چه برای اهل قلم و چه برای ناشرین داشته باشد.

روایت نویسنده: رضا جولایی

هیچان زودگذر

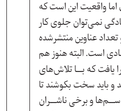

جامعه ما روزبه‌روز علاقه‌اش به کتاب را از دست می‌دهد و من به دلیل این‌که در کار نشر کتاب هم هستم کم‌وبیش با ناشران دیگر در ارتباطم و می‌دانم که بسیاری از ناشران ما در آستانه ورشکستگی‌اند و برخی از آن‌ها ماه‌هاست که حقوق پرسنل خود را پرداخت نکرده‌اند. افسانه‌ی ملی برگزاری دهروزه نمایشگاه کتاب و فعالیت‌های او این قبیل. هیچ‌جای‌اش زودگذری است که مهم‌ترین برای تغییر وضعیت کتاب‌خوانی در جامعه‌مان نیازمند اقدامات عمیق‌تر و پایه‌ای‌تری هستیم. نمایشگاه کتاب می‌تواند در حکم اتفاق‌افتادنیه برای کتاب‌خواندن جامعه‌مان باشد و به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند درمان قطعی این وضعیت باشد. کتاب‌خوان‌ترین افراد جامعه نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و مفصل است از جمله آموزش‌هایی که باید از مدرسه و در دوره دبستان وجود داشته باشد. تاکنون پیشنهادهای مختلفی برای ایجاد علاقه به کتاب ارایه شده از جمله کتاب‌خوانی به‌عنوان کلاس‌هایی تشویقی در مدرسه ترتیب داد تا کودکان از دبستان به مطالعه کتاب علاقه‌مند شوند. این برنامه‌ها و پیشنهادات تاکنون بعضی‌شده و از سویی وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ما فرصتی برای مطالعه باقی نگذاشته و از تعداد افرادی که اهل مطالعه بودند کاسته شده که تاثیرش در تیراژهای کتاب دیده می‌شود. روشن‌ترین و دم‌دیرحال بدترین نمونه عدم رغبت به کتاب‌خواندن در میان دانشجویان دیده می‌شود. آنها تنها جزوه‌ها یا به‌اجبار کتاب‌هایی را می‌خوانند که نمره‌ای بگیرند یا پایان‌نامه‌ای بنویسند و فارغ‌التحصیل شوند. در جامعه ما هنوز هم که هنوز است کتاب‌خواندن کاری تجملی و بیهوده به نظر می‌رسد و این تصور به ذهنیتی اجتماعی بدل شده است. امروز حتی می‌بینیم که در سطح جامعه‌ی آخوانندگان کتاب‌های عامه‌پسند با ادبیات به‌اصطلاح آسیخته‌تاهم که کاسته شده و تیراژ این دست کتاب‌ها نیز پایین آمده است. نه‌فقط تیراژ کتاب‌ها به طور کلی پایین آمده بلکه فاصله‌ی میان کتاب‌های متعدد کتاب کاهش هم کم شده است. در جامعه‌های نسل‌های جدید جای نسل‌های قبلی را می‌گیرند اما تیراژ کتاب‌های آن جامعه باید در حد متوسط و معینی باقی بماند اما در اینجا اینطور نیست و در شرایط فعلی اهمیت کتاب کمتر از قبل شده است. کیفیت کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند نیز در به‌وجودآمدن این مسئله نقش داشته است اما این دلیل اصلی افت تیراژ کتاب نیست. به‌طورکلی امروز رغبت به خواندن در جامعه کم شده و اتفاق‌ها می‌توانند به اندازه در رفتار دانشجویان در نمایشگاه کتاب هم ببینیم. غالب دانشجویانی که به نمایشگاه کتاب می‌روند به‌جز کتاب‌های درسی که مجبورند بخوانند کتاب دیگری نمی‌خرند و درصد بالایی از آن‌ها تنها درصدد فروش برهایی هستند که در اختیارشان قرار گرفته. به این‌طرز نمایشگاه‌های کتاب تبدیل به محلی برای نقدرکن می‌شود که کتاب شده و یکی از نقاط ضعف نمایشگاه هدررفتن همین برهای خرید کتاب است. البته تمهیداتی برای جلوگیری از فروش برها در نظر می‌گیرند اما معمولا راه‌حلی برای این موضوع نیستند. جامعه امروز و با مشخصا دانشجویان ما ضرورتی برای کتاب‌خواندن احساس نمی‌کنند چون مدرکشان را در همین دانشگاه‌های عجیب‌وغریب موجود می‌گیرند و تخصصی هم نیاز ندارند تا مجبور به مطالعه و رجوع به کتاب باشند.

داستان ایرانی

پیام حیدرقزوینی

تک‌نگاری‌های زیستن

در آستانه نمایشگاه کتاب، حوزه داستان‌های ایرانی انبوه تازه‌ها و چاپ‌های داشت که سراچاپ به راه‌های ابتدایی نمایشگاه رسیدند. از این میان رمان «تالار فرهاد» نوشته عباس یزمان بود که در نشر اسم منتشر شد. نویسنده در توضیح کلوند ابتدای کتاب درباره آن نوشته: «من فقط دوبار و هربار فقط به مدت چند روز به شهر این رمان مسافرت کرده‌ام. هیچ‌کاه دران شهر ساکن نبوده‌ام. این شاید باعث از هم توضیحی بتواند واقعی‌بودن یا نبودن اتفاقات و شخصیت‌های این رمان را بیان کند». در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «پنجره این سمت در روشن است. دیگر صدای برف در زیر پوتین‌هایم را نمی‌شنوم. سایه دختری به پرده پنجره افتاده است که پوتین‌هایم را نمی‌شنوم. سایه دختری به پرده پنجره افتاده است که مهوابش را می‌شنوم. آینه کوچک را هم یک لحظه می‌بینم که تهش نیم‌رخ به پنجره و سرش به قاب آن تکیه داده شده است. موها لخت و صاف و جلو جوش پایین ریخته‌اند و شانه می‌خورند و من از جلو پنجره رد می‌شوم...». در این مدت مجموعه داستانی از بیمان نمایشگاه کتاب منتشر شد. یکی از شاهکارهای مورد کارنه- یدوور است و به نوشته مترجم شاید مهم‌ترین آثار و ضمنا یکی از بهترین نمونه‌های رئالیسم شاعرانه در سینما نیز به‌شمار می‌رود. این روزها کتابی هم درباره عباس کیارستمی در نشر روزنه منتشر شده که «سینمای عباس کیارستمی» نام دارد و توسط روبرت صافاریان تالیف شده است. صافاریان در بخشی از مقدمه کتابش نوشته: «وقتی درباره فیلمسازی می‌نویسی که بیش از ۴۰ سال فیلم ساخته است و عنوان کتاب، گویای آن است که از زاویه نگره مولف به موضوعات می‌نگری. فیلم‌ها در ارتباط با هم و به‌عنوان اجزای به‌هم پیوسته متنی واحد دیده می‌شوند. آن عباس کیارستمی که نان و کوچه را ساخت همان عباس کیارستمی است که مثل یک عاشق را ساخت است. همان آدم است و در عین‌حال آن آدم نیست. آن‌چه در کارش تداوم داشته باعث می‌شود دمی که بر زبان آید؛ چنین گویند سینوکم/ من اما می‌گویم/ تو جان میکبرد/ بیش‌وکم آن دم». در مدت اخیر نیز دو کتاب از زنده‌یاد محمد مختاری در نشر پیوند تجدید چاپ شده‌اند: «تمرین مدارا» و «زاده اضطراب جهان». کتاب اول اثری تالیفی و شامل مجموعه مقالات مختاری است و دومی ترجمه‌ای است از جرج شاعران اروپایی. «تمرین مدارا» بیست مقاله در بازخوانی فرهنگ است و مقاله‌ها خاصه به ریشه‌های فقدان تفکر انتقادی در فرهنگ ما پرداخته‌اند.

هنر: گدار، پره‌مور و کیارستمی

از نفس‌افتاده

«ازنفس‌افتاده» عنوان فیلم‌نامه‌ای است از ژان لوک گدار که به‌تازگی با ترجمه وندا الوندی‌پور در نشر نیلوفر منتشر شده است. گدار که چهره بی‌بدیل موج نو است، با فیلم «ازنفس‌افتاده» کل اصول حاکم بر سینمای کلاسیک را نقض کرد و انقلابی در سینمای فرانسه و جهان پدید آورد و به گفته خودش، این فیلم نقطه پایانی بر سینمای کلاسیک. طرح اولیه «ازنفس‌افتاده» از توروفو بود و نام او باعث شد تا تهیه‌کننده فیلم سرمایه لازم را برای ساختش فراهم کند و گدار در آزادی کامل آن طور که می‌خواست فیلم را ساخت. این فیلم نه‌تنها تحسین منتقدین را به همراه داشت بلکه در گیشه نیز به موفقیت رسید و به‌نوعی به سمبل موج‌نو تبدیل شد. این کتاب ترجمه‌ای است از فیلمنامه با به عبارت بهتر فیلمنوشت «ازنفس‌افتاده» چون همان‌طور که مترجم کتاب نیز نوشته، «ازنفس‌افتاده» فاقد فیلمنامه ازپیش‌نوشته بوده است. کتاب بخش دیگری هم در نشر ثالث مصاحبه‌ها و نقد و تحلیل‌هایی درباره این اثر است. «بچه‌های بهشت» عنوان فیلم‌نامه‌ای است از مارک‌آرنو پاورو که به تازگی با ترجمه غلامرضا بصیری در نشر چترنگ منتشر شده است. این کتاب در فاقد مجموعه «چهار سینمای نی نشر منتشر شده» مجموعه‌های که با به توضیح دیر آن، با هدف جاب آثاری باکیفیت در تمام ساختگی‌های سینما اعم از فیلم‌نامه، مباحث نظری، مباحث آموزشی، مصاحبه با کارگردانان، شناخت سینماداران و غیره شکل گرفته است. «بچه‌های بهشت» یکی از شاهکارهای موج‌گزاره-یدوور است و به نوشته مترجم شاید مهم‌ترین آثار و ضمنا یکی از بهترین نمونه‌های رئالیسم شاعرانه در سینما نیز به‌شمار می‌رود. این روزها کتابی هم درباره عباس کیارستمی در نشر روزنه منتشر شده که «سینمای عباس کیارستمی» نام دارد و توسط روبرت صافاریان تالیف شده است. صافاریان در بخشی از مقدمه کتابش نوشته: «وقتی درباره فیلمسازی می‌نویسی که بیش از ۴۰ سال فیلم ساخته است و عنوان کتاب، گویای آن است که از زاویه نگره مولف به موضوعات می‌نگری. فیلم‌ها در ارتباط با هم و به‌عنوان اجزای به‌هم پیوسته متنی واحد دیده می‌شوند. آن عباس کیارستمی که نان و کوچه را ساخت همان عباس کیارستمی است که مثل یک عاشق را ساخت است. همان آدم است و در عین‌حال آن آدم نیست. آن‌چه در کارش تداوم داشته باعث می‌شود دمی که بر زبان آید؛ چنین گویند سینوکم/ من اما می‌گویم/ تو جان میکبرد/ بیش‌وکم آن دم». در مدت اخیر نیز دو کتاب از ژرده‌یاد محمد مختاری در نشر پیوند تجدید چاپ شده‌اند: «تمرین مدارا» و «زاده اضطراب جهان». کتاب اول اثری تالیفی و شامل مجموعه مقالات مختاری است و دومی ترجمه‌ای است از جرج شاعران اروپایی. «تمرین مدارا» بیست مقاله در بازخوانی فرهنگ است و مقاله‌ها خاصه به ریشه‌های فقدان تفکر انتقادی در فرهنگ ما پرداخته‌اند.

ادبیات ایران: از چهلتن، مندنی‌پور، ساعدی، دولت‌آبادی تا فدایی‌نیا، امیر نادری و دیگران

هجوم هیاهو

«- چه‌کسی می‌تواند به حضور یک بوف‌کور که سراسر شب روی دِرگاه پنجره اتاقش نشسته است، عادت کند! - یلد، چهل سال طول کشید تا پیش‌بینی او به حقیقت بیوست. اما بدانید که کابوس‌های دیگری هم هست. کابوس شبی که دیرا توفانی شد و تا یکنوبر اشتر بیچاره‌ای که لوطی‌اش مرده است». اصیرمن چهلتن در داستان کوتاه «نویسنده در پاگرد» در قالب سه حکایه دیالوگ، ادبیات معاصر را را احضار می‌کند. احرا نیز به‌واسطه بازنشر چندین رمان و داستان مهم که به‌دلایل مختلف به‌تاخیر افتاده بود، منتشر شد. این نشر فرار است نمایش‌نامه‌های فرسی را در قالب یک مجموعه به‌چاپ برساند و «موش» اولین کتاب از این مجموعه است. کوتا آثار فرسی برای انتشار در این مجموعه بازبینی مجدد نیز شده‌اند. «موش»، نمایش‌نامه‌ای است در دو پرده و یک تابلوی اجتماعی که یازده شخصیت دارد و نخستین‌بار در دهه چهل منتشر شده بود. «آرامیشگاه» نمایش‌نامه دیگری از فرسی است که در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب امسال منتشر شد. این نمایش‌نامه به سال ۱۳۵۶ برمی‌گردد و فرسی در نوشتن آن سنگ‌کوبی خاص را مدنظر داشته است. فرسی از نویسندگان، نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردان‌های مهم معاصر ایران به‌شمار می‌رود که دست به تجربه‌های مدرنی در ادبیات نمایشی زده است. فرسی از سال ۱۳۵۶ در لندن زندگی می‌کند و همچنان به فعالیت‌های خود در حوزه‌های ادبیات داستانی و ادبیات نمایشی و تئاتر ادامه می‌دهد. در این مدت چند نمایش‌نامه مهم نیز در نشر نیلا به چاپ رسیده‌اند که برخی از آن‌ها برای اولین‌بار منتشر شده‌اند و برخی هم تجدیدچاپ هستند. «اونیس» نمایش‌نامه‌ای است در سه‌پرده از ژان ژیرودو که با ترجمه لیلی گلستان در نشر نیلا و در روزهای نمایشگاه منتشر شد. نمایش‌نامه‌ای از الکسی فایکو با عنوان «بروفلـــو بوبوس» نیز با ترجمه رامتا قیصریه توسط این نشر به چاپ رسیده است. «بازگشت به وطن» هانس ورنر کورینکر و «فقط یک تکه نان» رابرت پوپ، دو نمایش‌نامه دیگر این نشر هستند که هر دو با ترجمه محمد حسین‌زاده به چاپ رسیده‌اند. «بازگشت به وطن» روایتی است از عملیات آمریکایی‌ها در کوزوو و عراق و «فقط برای یک‌تکه نان» نیز به‌نوعی ادامه‌ای کار نازی‌ها مربوط است. «لطف بخشش» با عنوان فرعی اندیشه‌هایی درباره شکسپیر تازه‌ترین کتاب پیتر بروک است که با ترجمه حمید احیاء به مناسبت چهارصدمین سالگرد درگذشت شکسپیر در نشر نیلا منتشر شده است. «باغبان مرگ» نمایش‌نامه‌ای است از محمد جمشیدی‌نیا که پس از دو پرده‌ای نمایشگاه در نشر نیلا منتشر شد. از دیگر نمایش‌نامه‌های مهمی که در نشر نیلا منتشر شده، یکی هم «سالاناباغ» ماریکوت دوراس است که با ترجمه قاسم روبین در نشر اختران منتشر شده است. «سالاناباغ» را که از آثار مهم دوراس به‌شمار می‌رود می‌توان نبردی میان حافظه و واقعیت تلخ جهان دانست. در مدت اخیر چند نمایش‌نامه جدید از مجموعه «دوراندو: دنیای نرنی نشر منتشر شده. مجموعه‌های از آن‌ها یک نمایش در قطع کوچک منتشر می‌شد و مدتی بود که انتشار آن متوقف شده بود. «قاتون پیران» یکی از نمایش‌نامه‌های تازه این مجموعه است که به‌ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی مترجم کتاب به چاپ رسید؛ نمایش‌نامه‌ای نوشته تامس میدلتون و ویلیام رولی

نقد و نظریه: از کافکا، پروست منتقد تا نیما، جمادی و بهیان ناقد

در جستجوی فلسفه ادبیات

در چند سال اخیر به‌طور عام و در یک سال گذشته به‌طور خاص، توجه به نقد و نظریه ادبی تجولی شگفت پیدا کرده است. تعداد عناوین کتاب‌های تالیف و یا ترجمه‌شده در این حوزه‌ها رو به افزایش گذاشته است. با این‌همه بسیاری از این آثار از کیفیت درخور برخوردار نیستند. با تالیفاتی سست‌اند و یا مترجم از عهده کار برنیامده است. فارغ از داوری، در شیفتگی و علاقه کتابخوان جامعه به این مباحث کمتر می‌توان شک کرد. چنین که پیداست ابتدا از محدوده سالیقوری‌مرب در حوزه‌های دیگر تفکر و علوم انسانی نیز فقد کرده است. تجدیدچاپ «مبحث» کافکا با ترجمه فرزانه طاهری (انتشارات نیلوفر)، فتح باب مباحثی برای مواجهه با داستان‌های تازه‌ای است که در زمینه نقد ادبی منتشر شده‌اند. در این تجدیدچاپ، مترجم تغییرات زیادی در متن اعمال کرده است. «ابهام و ابرآلودگی» داستان‌ها را یکی از این اشتراکات می‌داند. از دیگر شباهت‌ها، تب آدم‌هایی است که از متن جامعه به بیرون پرتاب شده‌اند. از جغفر علاءوبرلین گذشته از متن این داستان کافکا، با حک و اصلاحاتی که کافکا در متن این اثر خود اعمال کرده. آشنا می‌شویم. در ادامه برگزیده‌ای از نقدهای ارگذار منتقدان شاخص «مسخ»، همراه با کاغه‌کاری و کتابشناسی آثار کافکا که باب ضمیمه شده است. «ضد سنت بوو: طغیان‌های باهمه!» اثر مارسل پروست با ترجمه احمد پرهیزی (انتشارات مروارید)، کتابی است درباره ادبیات که از منظر مطرح بوده. «دوران تحقیر» با به‌عنوان اثری کاملا سیاسی نوشته است. در این زمینه ترجمه دیگری هم از سیروس دَنَا، منتشر شده است: «مرگی سبار آرام» است. در ایام نمایشگاه کتاب، یکی از ترجمه‌های قدیمی ابراهیم گلستان نیز در نشر بازتاب‌نگار بازنشر شد. «دون‌ژوان در جهنم» عنوان نمایش‌نامه‌ای است از جرج برنارد شاو که به سال ۱۳۳۰ ترجمه شده بود. این اثر نخستین‌بار در سال ۱۳۵۳ در تهران به کارگردانی ابراهیم گلستان و بازیگری پوریا صباد و گروه بازیگران او به صحنه آمد. این اثر بار دیگر و در سال ۱۳۹۴ نیز در لندن به صحنه رفت. دو نمایش‌نامه از ویلیام شکسپیر نیز به‌تازگی در نشر پارسه منتشر شده است. «لیرشاه» با ترجمه میلاد میناگر و «تاجر ونیزی» با ترجمه مهران صفوی دو نمایش‌نامه شکسپیر که البته هردو نمایش‌ایرانی نیز به فارسی ترجمه شده بودند. از دیگر نمایش‌نامه‌هایی که در مدت اخیر منتشر شده‌اند، می‌توان به این اثر اشاره کرد که همگی در نشر بیدگل منتشر شده‌اند: مجموعه‌های «یکشنبه» و «زندگی خوب» از میشل دووچ با ترجمه احمدرضا احمدی، «غرب غمزده» مارتین مک‌دونا با ترجمه بهرنگ رجبی، «ربنه سیاه ماریتی» از آکوست بوئنو بایخو، سی‌ومین نمایش‌نامه این مجموعه است که با ترجمه طلوع رباضی به چاپ رسیده است. بایخو از نمایش‌نامه‌نویسان مشهور اسپانیایی است که پس‌ازاین نیز آثار دیگری از او به فارسی منتشر شده بود. دیگر کتاب این مجموعه که به تازگی منتشر شده، «داستان خرس‌های پاندا» به روایت یک سایکولوژیست که دوستی در فرانکفورت دارد» به همراه نمایش‌نامه «سه شب با مادوکس»، از مانتی ویسنیک است که این روزها با ترجمه تینوش نظم‌جو در قالب یک کتاب به چاپ رسیده است. مانتی ویسنیک نمایش‌نامه‌نویس، نویسنده و شاعری است که در سال ۱۹۵۶ در رومانی به دنیا آمد و از او نیز پیش‌ازاین آثاری به فارسی منتشر شده بود. نشر ماهی نیز به‌تازگی مجموعه‌های مجموعه دوباره ترجمه و منتشر نشده‌اند. «خرس» را پیش از این صالح حسینی ترجمه کرده بود که در مجموعه داستان «برجری موسی» منتشر شده بود. «مسابقه بامدادی» را هم خود اخیرا از این ترجمه کرده بود و در مجموعه داستان «این بازده تا» به چاپ رسانده بود. اخوت به جای این دو داستان، سه داستان دیگر که البته با حال و هوای «جنگل بزرگ» همخوانی دارند به داستان‌های این اثر خود اعمال کرده است. وقایع این سه داستان نیز در کنار این جنگل اتفاق میافتد. جایی واقع در یوکاتاناق. «دوران تحقیر»، عنوان رمانی از آندره مالرو است که کمی پیش از نمایشگاه با ترجمه سیروس دَنَا، در نشر ناهید منتشر شد. در این رمان، می‌توان مواضع آندره مالرو را درباره ظهور فاشیسم در اروپا دید. مالرو که همواره مواضعی سیاسی داشته و به‌عنوان روزنامه‌نگار و فعال سیاسی هم مطرح بوده. «دوران تحقیر» را به‌عنوان اثری کاملا سیاسی نوشته است. در این زمینه ترجمه دیگری هم از سیروس دَنَا، منتشر شده است: «مرگی سبار آرام» است. در ایام نمایشگاه کتاب، یکی از ترجمه‌های قدیمی ابراهیم گلستان نیز در نشر بازتاب‌نگار بازنشر شد. «دون‌ژوان در جهنم» عنوان نمایش‌نامه‌ای است از جرج برنارد شاو که به سال ۱۳۳۰ ترجمه شده بود. این اثر نخستین‌بار در سال ۱۳۵۳ در تهران به کارگردانی ابراهیم گلستان و بازیگری پوریا صباد و گروه بازیگران او به صحنه آمد. این اثر بار دیگر و در سال ۱۳۹۴ نیز در لندن به صحنه رفت. دو نمایش‌نامه از ویلیام شکسپیر نیز به‌تازگی در نشر پارسه منتشر شده است. «لیرشاه» با ترجمه میلاد میناگر و «تاجر ونیزی» با ترجمه مهران صفوی دو نمایش‌نامه شکسپیر که البته هردو نمایش‌ایرانی نیز به فارسی ترجمه شده بودند. از دیگر نمایش‌نامه‌هایی که در مدت اخیر منتشر شده‌اند، می‌توان به این اثر اشاره کرد که همگی در نشر بیدگل منتشر شده‌اند: مجموعه‌های «یکشنبه» و «زندگی خوب» از میشل دووچ با ترجمه احمدرضا احمدی، «غرب غمزده» مارتین مک‌دونا با ترجمه بهرنگ رجبی، «ربنه سیاه ماریتی» از آکوست بوئنو بایخو، سی‌ومین نمایش‌نامه این مجموعه است که با ترجمه طلوع رباضی به چاپ رسیده است. بایخو از نمایش‌نامه‌نویسان مشهور اسپانیایی است که پس‌ازاین نیز آثار دیگری از او به فارسی منتشر شده بود. دیگر کتاب این مجموعه که به تازگی منتشر شده، «داستان خرس‌های پاندا» به روایت یک سایکولوژیست که دوستی در فرانکفورت دارد» به همراه نمایش‌نامه «سه شب با مادوکس»، از مانتی ویسنیک است که این روزها با ترجمه تینوش نظم‌جو در قالب یک کتاب به چاپ رسیده است. مانتی ویسنیک نمایش‌نامه‌نویس، نویسنده و شاعری است که در سال ۱۹۵۶ در رومانی به دنیا آمد و از او نیز پیش‌ازاین آثاری به فارسی منتشر شده بود. نشر ماهی نیز به‌تازگی مجموعه‌های مجموعه دوباره ترجمه و منتشر نشده‌اند. «خرس» را پیش از این صالح حسینی ترجمه کرده بود که در مجموعه داستان «برجری موسی» منتشر شده بود. «مسابقه بامدادی» را هم خود اخیرا از این ترجمه کرده بود و در مجموعه داستان «این بازده تا» به چاپ رسانده بود. اخوت به جای این دو داستان، سه داستان دیگر که البته با حال و هوای «جنگل بزرگ» همخوانی دارند به داستان‌های این اثر خود اعمال کرده است. «ساحل آرامتشهر» درامی حماسی است که مبارزه‌ای از انقلابیون قرن نوزدهم را روایت کرده و به‌گاه‌نامای است که شامل این سه نمایش‌نامه است: «سفر»، «شکنش‌شکستگان» و «نجات». از این مجموعه نمایش‌نامه دیگری نیز با عنوان «جستجوی آرمان» در نشر ناهید منتشر شده است. «جن‌زدگان» نمایش‌نامه‌ای است از هنریک ایبسن که با ترجمه عبدالله امینی در نشر بیدگل منتشر شده است. «باغبان مرگ» نمایش‌نامه‌ای است از محمد جمشیدی‌نیا که پس از دو پرده‌ای نمایشگاه در نشر نیلا منتشر شد. از دیگر نمایش‌نامه‌های مهمی که در نشر نیلا منتشر شده، یکی هم «سالاناباغ» ماریکوت دوراس است که با ترجمه قاسم روبین در نشر اختران منتشر شده است. «سالاناباغ» را که از آثار مهم دوراس به‌شمار می‌رود می‌توان نبردی میان حافظه و واقعیت تلخ جهان دانست. در مدت اخیر چند نمایش‌نامه جدید از مجموعه «دوراندو: دنیای نرنی نشر منتشر شده. مجموعه‌های از آن‌ها یک نمایش در قطع کوچک منتشر می‌شد و مدتی بود که انتشار آن متوقف شده بود. «قاتون پیران» یکی از نمایش‌نامه‌های تازه این مجموعه است که به‌ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی مترجم کتاب به چاپ رسید؛ نمایش‌نامه‌ای نوشته تامس میدلتون و ویلیام رولی

شعر: شاعران آزادی، سپانلو، مختاری، الهی و هاشمی‌نژاد

از شاعرانِ رفته

از میان مجموعه‌شعرهایی که در نمایشگاه کتاب امسال منتشر شده‌اند مجموعه‌شعری از محمدعلی سپانلو را می‌توان مهم‌ترین کتاب این بخش دانست. «بیمارستان کافکا». آخرین شعرهای محمدعلی سپانلو است که قرار بود در زمان حیات او منتشر شود و نشد و حالا بعد از مرگ شاعر در انتشارات سرزمین اهورایی منتشر خواهد شد. شعرهای این مجموعه اصلا دوم‌ای‌اند که سپانلو گرفتار بیماری به‌بی‌خانی بود و امکان کار مداوم نداشت و عنوان کتاب نیز به‌نوعی گویای این مسئله است. این روزها کتاب دیگری نیز از سپانلو با عنوان «شاعران آزادی» منتشر شده است. سپانلو در این اثر کتاب به زندگی و آثار شش شاعر معاصر پرداخته و آن‌طور که از عنوان کتاب هم برمی‌آید، این اثر را می‌توان از مهم‌ترین آثار پژوهشی در بررسی، نقد زنده و سیر ماجراها زندگی‌اش را و با بحران مواجه کرده است. پرسش‌ذره‌ای در دل خیابان‌ها و مواجهه‌اش با آدم‌های مختلف از صحنه‌های خواندنی این رمان است. از مهدی یزدانی‌خرم نیز این روزها رمانی با نام «سرّ سفید» در نشر نیمه به چاپ رسیده. این رمان سومین رمان یزدانی‌خرم است و روایت از یک باشگاه ورزشی کوچک در خیابان شازده آذر تهران سال ۱۳۶۱ آغاز می‌شود و می‌رود به دیماه سال ۱۳۵۸. دهها داستان و روایت در این تنه زمانی اتفاق می‌افتد که به نحوی باهم ارتباط پیدا می‌کنند. به‌تازگی این رمان کاوه فولادی‌نسب نیز با عنوان «هشت چهل و چهار» در نشر چشمه منتشر شده. رمان درباره یک ساعت‌ساز و ساعت‌فروش تنهاست که عاشق پرسه‌زدن در خیابان‌ها و کوچه‌های قدیمی تهران است. مردی منظم و دقیق که دوستان اندکی دارد و جهانی مملو از خاطرات. اما اتفاق عجیب زندگی او را با ماخاره روبه‌رو می‌کند. در کتاب‌های که این‌روزها منتشر شده‌اند، می‌توان به این آثار اشاره کرد: «آقای هایشام» (رامبد جاهد)، «وقتی قوها پر می‌شوند» خدیجه شریعتی، «و از اعصاق» یاسمن شکرگزار در نشر آکه، «تابلو ناتمام» محمدرضا عبدالقیمی، «لب‌خوانی» ایودر قاسمیان، «سمفونی ناکوک رنگ‌ها» مهدیه مطهر، «از پنج شنبه‌ها متنفرم» مهران نجفی در نشر ناگه.

کودک و نوجوان

روایت شاعر: حافظ موسوی

تناقض بازار کتاب

تعداد بالای عناوین کتابی که امروز در ایران منتشر می‌شود بازار کتاب را با یک تناقض مواجه کرده است. از طرفی، عده زیادی امروز در حوزه‌های مختلف می‌خواهند کتاب‌هایشان را چاپ کنند و نمی‌توان جلوی آنها را گرفت تا کارهایشان منتشر نشود. از طرف دیگر فرایند بازار مجدد کتاب در این کشش به‌شدت کند شده است. امروز در این بازار کتاب‌هایی که اینک منتشر می‌شوند فاقد کیفیت‌های لازم هستند. در این بازار هم موسسه‌های انتشاراتی ما حرفه‌های عمل می‌کردند بخشی از این مشکل حل می‌شد. حرفه‌ای‌شدن نشر نه‌تنها در زیادی به اقتصاد نشر مربوط است. به‌این معنا که اگر اقتصاد نشر در این شرایط مناسبی داشت، ناشران می‌توانستند از تیم‌های کارشناسی حرفه‌ای برای انتخاب کتاب‌هایشان استفاده کنند و همچنین از ویراستاران حرفه‌ای استفاده می‌کردند تا کیفیت آثارشان به سطح نزاکی نرسد. صنعت نشر ایران اما فاصله زیادی با حرفه‌ای‌شدن و رسیدن به شرایط مطلوب دارد و بسیاری از ناشران نمی‌توانند نزاکی به لحاظ معیشت اقتصادی‌شان و کیفیت کتاب‌هایشان برقرار کنند. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از عوامل سبب شده تا تیراژ متوسط کتاب افت معناداری داشته باشد. یکی از این علت‌ها که مسئله‌ای ریشه‌دار و قدیمی است، کتاب‌نخواندن افراد جامعه است. این مسئلا امروز عمیق‌تر شده و بخش زیادی از مخاطبان بازار کتاب که جوان‌ها هستند درحاز نوعی دلمردگی و بی‌انگیزگی شده‌اند و دیگر کششی به سمت ادبیات و هنر ندارند. سوی دیگر ماجرا به گسترش فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی جدید برمی‌گردد که کتاب‌ها را به حاشیه رانده‌اند. بخش مهم دیگری که امروز شکل کاملا واقعی و عینی به خود گرفته، اوضاع اقتصادی نابسامان بخش‌های مهمی از جامعه است که باعث شده مردم روزبه‌روز از خرید کتاب دور شوند. حتی برای خود من خرید تمام کتاب‌هایی که به آنها علاقه‌مندم دشوار است و امروز مجبورم برای دسترسی به برخی از این کتاب‌ها به کتابفروشی‌های عمومی بروم. تاثیر این مسئله بر کیفیت کتاب مقصر نیستند و هزینه‌های تولید کتاب بالا رفته و تاثیرش را بر قیمت‌ها گذاشته است. در چند سال اخیر تغییرات مهمی در بیزنس‌آمدن این کار خود داشته و اجازه نمی‌دهد صنعت نشر روند طبیعی و معمول خود را طی کند. در این شرایط، آثار ادبی و هنری ما از بسیاری امکانات طبیعی‌شان محروم‌اند. ولی نویسنده یا شاعر نمی‌تواند بخش‌های مهمی از ذهنیت‌ان را روی کاغذ بیاورد. اثر او بخش مهمی از جدایت‌اش را از دست می‌دهد و درنتیجه بخش مهمی از مخاطبان‌اش از دست می‌رود. دو سه کتاب آخری که خود من در این سال‌ها منتشر کردم‌ام کتاب ایدوال من نبودند‌اما و این وضعیت را می‌توان به بخش زیادی از نویسندگان و شاعران بسط داد. من مجبور بودم بخشی از اشعارم را از کتاب‌هایم حذف کنم تا از تم‌ام امکان انتشار پیدا کنم و این مسئله به آثارم ضربه زده است. در دوره اخیر من کتابی به ارشاد اداره‌ها‌ام براساس آنچه از دوستان و همکارانم شنیده‌ام، می‌توان گفت که اوضاع ممیزی در چند سال اخیر اندکی بهتر شده اما ممیزی همچنان معضلی است که به صنعت نشر ما آسیب می‌زند.

**